

چرا نگار جواهریان و صابر ابر از «دو دلک و نصفی» جدا شدند؟

نمایش «دو دلک و نصفی» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی جلال تهرانی از ۱۲ آذر در سالن استاد ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر به مدت ۳۰ شب اجرا می‌شود. تهرانی در بسیاری این نمایش که با همکاری هنر جوان «مکتب تهران» اجرا خواهد شد، گفت: تا به حال پروژه‌ای را در مدتی کمتر از سه ماه تمرین نکرده‌ام، اما «دو دلک و نصفی» در مدت ۱۰ روز تمرین برای اجرا آماده شده است. او با اشاره به این که در ابتدای کار ایسن ۱۰ روز را نقطه ضعف نمی‌دانست، ادامه داد: دلیل این که در این بازه زمانی کم، نمایش را تمرین کردیم به مناسبات میان مکتب تهران و خانه هنرمندان مربوط می‌شود، چرا که خانه هنرمندان تاکنون در

کنار مکتب تهران بوده و همین مسئله ایجاب می‌کند که وقتی پیشنهاد اجرای یک نمایش مطرح شد، براساس نگاه استراتژیک و مناسبات میان این دو مرکز، نمایش خود را اجرا کنیم. در واقع مکتب تهران نسبت به خانه هنرمندان ایران احساس تعهد دارد. جلال تهرانی در بخش دیگری از این نشست درباره این که ابتدا قرار بود بازیگران حرفه‌ای در نمایش «دو دلک و نصفی» حضور داشته باشند ولی بعد بازیگرانی از مکتب تهران جایگزین شدند، توضیح داد: نگار جواهریان و صابر ابر بازیگرانی بودند که برای اجرا در نظر داشتم چرا که آن‌ها به گردن این پروژه حق داشتند و آن را نمایشنامه‌خوانی کرده بودند اما به دلیل این که هر دو به دلیل سفر و کار امکان همکاری و تمرین نداشتند از بازیگران مکتب

تهران استفاده کردم.

او افزود: البته این را هم اشاره کنم که برای بازیگران حرفه‌ای ۱۰ روز تمرین می‌تواند کمی ترسناک باشد چون آن‌ها همواره نگران اعتبار حضور خود در صحنه‌ها هستند ولی نگار جواهریان و صابر ابر مشکلات کاری خود را برای عدم حضور در این اجرا داشتند. تهرانی درباره موسیقی نمایش «دو دلک و نصفی» هم گفت: موسیقی که در این نمایش استفاده می‌شود بارها شنیده شده و یک موسیقی شناخته شده است که از این لحاظ بدعتی در آن نیست، اما به لحاظ شکل استفاده و ترکیب با نواع اجرا بدیع و تازه خواهد بود. این کارگردان در بخش دیگری از نشست خبری خود که صبح ۱۰ آذر در مکتب تهران برگزار شد، با اشاره به طراحی



پوستر این نمایش توسط مازیار تهرانی (برادر جلال تهرانی) گفت: پوستر اولیه ما مجوز نگرفت که دلیل آن نامی داتم، اما به سرعت پوستر دیگری طراحی و جایگزین شد. او همچنین یادآور شد: نمایش «دو دلک و نصفی» یک متن

بسیار تلخ بوده که در سال ۷۷ به نگارش درآمد اما سال ۸۳ بازیگری شد و با نام «دو دلک و نصفی» تبدیل به متنی با نشاط تر شد. تهرانی همچنین درباره سالن تئاتر مکتب تهران توضیح داد: این سالن برای مجموعه آموزشی مکتب تهران آماده شده است و به هیچوجه به صورت ساعتی، روزانه یا ماهانه برای اجرا اجازه داده نخواهد شد.

وی تأکید کرد: در تریج می‌دهیم در این سالن کارهایی که توسط بچه‌های مکتب تولید شده و شایستگی حضور روی صحنه را دارد، یا نمایش‌هایی که در سطح شهر اجرا می‌شوند و با مناسبات این سالن همخوانی دارند به مدت یک هفته اجرا شوند.

گفتگو با ابراهیم پشت کوهی نویسنده

طراح و کارگردان نمایش «وقتی ما برگردیم دو پای آویزان مانده است»

نمایشی شاعرانه در مواجهه انسان با وجدانش

به جزء گلی همیشه - که معنای زندگی را به دلیل حس عشق درک کرده است- بقیه فهمی از زندگی ندارند. چون عاشق نیستند و از هویت انسانی دور شده‌اند. گلی بی‌شبه طبیعی‌ترین آدم است چون معنای عشق و زندگی را در وجودش زنده نگه داشته است. از نامش هم چنین نکته‌ای معلوم است: گلی همیشه! آثم به دلیل گناهی که کرده از ایجاد رابطه با عشقی معصوم ناتوان است و در مواجهه با گلی همیشه می‌ماند. آثم آمده تا تصمیم بزرگی بگیرد تا هم خود را متحول کند و هم روی دیگران تأثیر گذار باشد. او می‌خواهد به زندگی خودش و دیگران معنا بدهد.

موسیقی در کارها پتان یک رکن اساسی است و تلفیقی و چندگانه است، در اینجا موسیقی بندری و هندی را در کنار هم استفاده کرده‌اید؟ چرا؟

در یک سری از صحنه‌ها موسیقی نقش مهمی دارد و به قول شما یک رکن بسیار مهم است؛ چرا که به نظر من تئاتر خانه هنر هاست برای همین همانقدر موسیقی مهم است که ادبیات و طراحی صحنه مهم است، اما موسیقی که می‌شنوید موسیقی هندی نیست، از تم هندی استفاده کرده‌ایم. در جایی رؤیاهای گلی همیشه به صورت رقص و آواز خوانی مرد و زنی هندی به نمایش درمی‌آید.

این طراحی موجز و مختصر از کجا می‌آید؟ این ایده کلی را از همان اجرا گرفته‌ایم. در اجرای ۱۵ سال پیش هم یک خانه را فقط با چارچوب می‌بینیم، اما دیوارها خالی است و هر کسی از هر جایی وارد این مکان می‌شود. هیچ دیوار و سقفی نداریم. مثل یک خانه شیشه‌ای است که انگار هیچ حیرت امنی ندارد؛ برای همین همه وارد خانه آثم می‌شوند. در این خانه بشکه و فرقه هر کس برقی می‌بینیم و لوله کشی و بشکه حلبی خالی. در واقع این‌ها دورریزهای زندگی شهری است که به ده و محل زندگی آثم وارد شده است. این دورریزها فغاله هویت این آدم‌ها هستند که با آن زندگیان را می‌سازند.

می‌خواهید بگویید آثم باید از شهر به ده پناه آورده باشد، اما تأثیر شهرنشینی هرگز از زندگی‌اش پاک نمی‌شود؟ بله، همینطور است.

لباس هم گاهی منطقی است مثل لباس آثم و گلی همیشه، اما بقیه لباس‌های غیر منطقی پوشیده‌اند؟ اینجا یک جامعه در هم ریخته است. یک جامعه بی‌هویت که اصالت خود را از دست داده و در این شرایط تنها شخصیتی که غیر از آثم (لباس امروزی دارد) لباس با هویت دارد گلی همیشه است. لباس او هم ترکیبی از لباس جنوبی است و نه کاملاً جنوبی اما مادرش (عصمت رضاپور) آستین بسیار بلندی دارد. لوک (نادر قلاح) آستین پاره پاره دارد. تال (تینو صالحی) لباس راه راه و بی‌هویت دارد. فقط حرف زدن گلی همیشه منطقی است اما بقیه حتی از واژگانی استفاده می‌کنند که در درستی از آن‌ها ندارند؛ فقط شنیده‌اند و همین طوری به کار می‌برند. یعنی درکی از آن ندارند؛ چنانچه متابولیسیم را به منظور متافیزیک به کار می‌برند. این‌ها واژگان را فقط تکرار می‌کنند چون هویت و اصالت خویش را از کف داده‌اند. این آدم‌ها مسخ شده‌اند و در این خانه آن‌ها خود را ابراز می‌کنند، اما بی‌منطق که شما گفتید اینجا دیوانه‌خانه است.

چرا همه شعر می‌خوانند؟ در واقع شعر بین مردم حضوری پر رنگ دارد. شاعران

رضا آشفته
ایرانیست
پشت کوهی
نمایش

«وقتی ما برگردیم دو پای آویزان مانده است» را در سال ۷۸ در جشنواره تئاتر فجر اجرا کرد که اثرش برگزیده و برنده تندیس بهترین کارگردانی، طراحی صحنه، موسیقی و بازیگر خردسال شد. او حالا پس از ۱۵ سال این نمایش را در تالار حافظ تهران اجرا می‌کند که کلیت متن و ساختار اجرا حفظ شده و با تغییراتی جزئی آن را دوباره تولید کرده است. مثلاً در اجرای قبلی درباره عروسی و داماد فقط حرف زده می‌شد، اما این بار حضورشان محسوس است. نمایش پشت کوهی، نمایشی درباره وجدان پیدار انسان‌ها و چالش‌هایی است که برای انسان ایجاد می‌کند.

یکی از ویژگی‌های این نمایش این است که هیچ کدام از آدم‌ها رفتار منطقی ندارند. آیا از فضای خاصی الهام گرفتید؟

مکان نمایش ما خانه‌ای است در دهاتی به نام ای‌سی ده، اما این مکان نمایش نیست که مهم است بلکه رویدادهایی که در این خانه اتفاق می‌افتد مهم است؛ ساختار نمایش فضایی ابزود دارد و ساختار افراف آمیزی در رفتار اشخاص است که آن‌ها را کار یکتا می‌کند. تنها گلی بی‌شبه (الهام اسکندری) رفتار معقول و واقع‌گرایانه‌ای دارد. در واقع این افراد رفتار منطقی بر پایه درام کلاسیک ندارند و جهان آن‌ها منطبق است. آثم (بازی شهروز افکاری) می‌آید که بر جهان آن‌ها تأثیر بگذارد، برای همین همه غیر منطقی‌اند.

متن را از جایی الهام گرفته‌اید؟ نه از خودم است و از جایی برداشت نکرده‌ام.

با توجه به این که نمایش داستانی همراه با جرم و جنایت است، حتی از خبر و شنیده‌های هم الهام نگرفتید؟

اگر از جایی هم باشد، شاید خبر یک خطی‌اش را جایی خوانده یا شنیده باشم.

آیا گناه بی‌ماه به اصلی نمایش شماست؟ انسان مسئله ماست. انسانی که به دلیل گناه از جایی امن به بیرون پرت شده و دچار هبوط شده است. آثم وارد مکانی شده که اصلاً پرسشی ندارد؛ در این مکان



بخشی از آن به دلیل شاعر بودن آثم است که مدام شعرهایش را می‌خواند. چنانچه به گفته گلی همیشه هر حرفی که آثم می‌زند مثل شعر می‌ماند. شاعرانگی زبان باید آفندری باشد که از متن بیرون نزنند. ادبیات باید در خدمت بحرانی باشد که در نمایش هست

مساوات تجربه قصه ظهر جمعه را تکرار می‌کند

محمد مساوات که اوایل سال اجرای موفق از نمایش قصه ظهر جمعه در سالن قشقای تئاتر شهر داشت، این روزها نمایشی را برای اجرا در تماشاخانه ایرانشهر در نظر گرفته که خودش می‌گوید به لحاظ مضمونی به کار قبلی‌اش شبیه است اما ساختار متفاوتی دارد.

نمایش «خانه‌واده» که نوشته خود اوست ظاهراً درباره خانواده خوشبختی است که از پدرشان یک هواپیمای تک نفره هدیه می‌گیرند، اما همین باعث بروز اتفاقاتی می‌شود که به شیوه رئالیسم انتزاعی روایت می‌شود. این نمایش روایت زندگی خانواده خوشبختی را به نمایش می‌گذارد که روزی پدر خانواده تصمیم می‌گیرد هواپیمای بزرگ تک نفره‌ای را به عنوان هدیه برای خانواده‌اش خریداری کند اما پسر بزرگ حضور این هواپیما را انکار می‌کند. در واقع مسائل انتزاعی در نمایش از اینجا به بعد وارد داستان رئالیستی می‌شوند. به این شکل که پایه نمایش به شیوه رئالیستی به مخاطب ارائه می‌شود اما در عین حال شاهد فضاسازی‌های انتزاعی نیز خواهیم بود.

مساوات علاوه بر این قرار است در قالب برنامه اجراخوانی و نمایشنامه‌خوانی دومین همایش «سوگنامه‌ها و سوگ‌چامه‌ها» که در تماشاخانه ماه حوزه هنری برگزار است، نمایشنامه «راست پنجگاه» را به صورت نمایشنامه خوانی اجرا کند. او در این باره می‌گوید: این متن نمایشی اثری آیینی، سنتی، مذهبی و عاشورایی است که در راستای علاقه شخصی من به تعزیه و داستان‌های مذهبی نوشته شده است. دغدغه ذهنی و ارتباط عاطفی-احساسی بین من و متون تعزیه و عاشورایی وجود دارد که دلیل اصلی نگارش این متن شده است. در این نمایشنامه قصه امامزاده‌ای روایت می‌شود که در کنار آن یک حسینیه می‌سازند. مسئله تخریب بافت قدیمی امامزاده محور اصلی داستان «راست پنجگاه» است.

«راست پنجگاه» نوشته و کارگردانی محمد مساوات پنجشنبه ۱۳ آذر ساعت ۱۷ در قالب دومین همایش «سوگنامه‌ها و سوگ‌چامه‌ها» در تماشاخانه ماه خوانش خواهد شد.

نمایش «خانه‌واده» از ۹ آذر ساعت ۲۰:۱۵ اجرای خود را در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر آغاز کرد. این نمایش با بازی علی محمودی، محمدعلی محمدی، احسان بهلولی، اسماعیل گرجی، بانیهال شومون، نیما نوری‌زاده و امیرعلی هوشمند اجرا می‌شود.

این اثر نمایشی که جدیدترین کار گروه تئاتر «رادیكال» است، به عنوان یکی از آثار فصل جوان تماشاخانه ایرانشهر به صحنه می‌رود.

محمد مساوات یکی از هنرمندان جوان و دانشجوین تئاتر است که پیش از این با اجرای نمایش‌هایی مانند «ار تئش میرزا ملکم خان بلوکی»، «بازیخانه قیاس الدین مع الفراق»، «قصه ظهر جمعه» و... جوایزی را در جشنواره‌های تئاتر دانشگاهی، آیینی سنتی و فجر به دست آورده است.



عکس‌نوشت

نمایش کالون و قیام کاستلیون به کارگردانی آرش دادگر این روزها در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفته است. دادگر پیش از این نمایش هملت را با موفقیت در همین تماشاخانه اجرا کرده بود.

پیشنهاد ۲

«دیده‌بانان» در چهار سو

محمدرضا خاکی یکی از نمایش‌هایی را که خودش ترجمه کرده است از فردا در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر به اجرا درمی‌آورد. در این اثر نمایشی که یک کمدی دو پرده‌ای با محوریت جنگ است، وحید نفر در نقش فیلمو اسکابر، محمد روشنی در نقش آنامون و ادالور، علیرضا



نامحی در نقش رادک، بهنام شرفی در نقش پرکال، بیژن محرمی در نقش رئیس جمهور کالون، علیرضا مدنی در نقش نکاز و سارا افشار در نقش ملکه ازالین ایفای نقش می‌کنند. داستان نمایش «دیده‌بانان» بر اساس دو کشور خیالی به نام «روم» و «مور» شکل گرفته و به دعای میان ملکه کشور روم با رئیس جمهور کشور مور بر سر ماهی‌های خال خالی سیاه رنگ شکل می‌گیرد و با این بهانه ساده به آرامی جنگی بین این دو کشور آغاز می‌شود که... این استادانمگاه دربار سوژه نمایشنامه «دیده‌بانان» نیز توضیح داد: سوژه نمایش در واقع به مقوله قدیمی جنگ می‌پردازد و جنگ هم یک سوژه خیلی قدیمی است که از زمان یونان باستان تا امروز به آن پرداخته شده و نه تنها برای من، بلکه برای مخاطب هم یک سوژه جدید به حساب نمی‌آید، اما به هر روی بخشی از واقعیت در دناک زندگی بشر بوده و هست و می‌شود در هر زمان به شکل‌های مختلف به آن پرداخت. درباره نمایشنامه «دیده‌بانان» نیز این اثر یک نمایشنامه بسیار ساده با زبانی طنزآمیز درباره موضوعی جدی که همان جنگ باشد، است. به عبارتی این موضوع چیزی است که ما هر شبانه‌روز به محض روشن کردن تلویزیون یا آن رویه‌رو می‌شویم؛ اتفاقی که شاید این روزها برایمان عادی شده باشد.

پیشنهاد ۱

روز مرگ هملت در خانه هنرمندان

نمایش «روز مرگ در داستان هملت» به نویسندگی برنار ماری کولتس و کارگردانی فرانک صیانی اجراهای عمومی خود را از سه‌شنبه ۱۱ آذر در سالن استاد انتظامی شروع می‌کند.



نمایش «روز مرگ در داستان هملت» خوانش ویژه کولتس از داستان هملت است. او در این نمایشنامه توطئه‌ها را مربوط به چهار شخصیت اصلی کرده است و زوج جوان را در برابر زوج مسن تر قرار می‌دهد. اگر چه ساختار نمایش وفادار به اصل آن است اما کولتس باطرافت، روابط خشونت‌آمیز شخصیت‌ها را تغییر داده است. کلاودیوس و گرترود با دسیسه‌چینی عملاً اقلیا را به سوی هملت می‌رانند. شاهزاده دانمارک از دیدگاه کولتس، ضد قهرمان و قربانی نیاکانت است. سروش طاهری، مانلی حسین پور، آرش تبریزی، فرزانه سلحشور و مهدی شایان بازیگران این نمایش هستند. دیگر عوامل این نمایش عبارتند از: لیلارا جمند مترجم، مهدی شایان مشاور کارگردان، مانده ندیمی، امید علیراده، کیانوش اسلامی، ندا جعفری دستیار کارگردان، فریاد صیانی طراح صحنه، رامشیر امامی طراح لباس، فرید نظری پوستر و بروشور، سهیل جهانفر عکاس، الهه حاجی‌زاده مشاور رسانه، حامد سمرقندی طراح نور و رضا مهرانفر ساخت تیزر. بلیت نمایش در سه روز نخست با تخفیف ۲۵ درصد به فروش خواهد رسید.

«روز مرگ در داستان هملت» از ۱۱ آذر و هر روز به جز شنبه‌ها ساعت ۱۸ در خانه هنرمندان، سالن استاد انتظامی اجرا می‌شود.